



وزارت ورزش

کوچک شدن دولت به عنوان یک اصل برشمرد شده است، مغایر می‌دانست؛ اما مراحل تصویب قانون طبق اصول قانون اساسی به پیش رفت و وزارتخانه شکل گرفت. موافقان، این را برای پاسخ‌گویی مدیران ورزش در صحن مجلس، فراهم شدن فرصت لازم برای بازنگری قانون قدیمی دستگاه اصلی ورزش؛ بازنگری وضعیت بهداشتی و سلامتی بخش ورزش، قانون‌مند کردن فعالیت‌های کلان در سطح ورزش قهرمانی، و زمینه‌سازی مناسب برای برنامه‌ریزی جدید درازمدت در سطح ورزش کشور ذکر کرده و تأسیس وزارت ورزش و جوانان را فرصت مغتنمی برای احیای مجدد ارزش‌های فراموش شده در ورزش می‌دانند. این مفاهیم رؤیایی هر کسی را در مخالفت با تأسیس وزارت ورزش با تردید مواجه می‌کند؛ آیا واقعاً تغییر تشکیلات یک نهاد سازمانی و تبدیل آن به یک نهاد وزارتی می‌تواند این همه امیدآفرین باشد. این روحیه خوش‌بینی با فرایند تحول سازمانی و فرایند زمان بر آن هماهنگی ندارد. موافقان تأسیس وزارت ورزش و امور جوانان، این فرصت را هم ارزشمند می‌دانند که امور جوانان در کنار امور ورزش در یک نقطه و در یک نهاد وزارتی برنامه‌ریزی و تمشیت می‌شود، چون جنس ورزش را با جنس جوانان جور می‌دانند. ارائه این تصویر زیبا از تأسیس این وزارتخانه جدید، کار این نهاد تازه تأسیس را در آینده دشوار می‌سازد. بزرگ‌نمایی‌هایی که موافقان و رسانه‌ها از تأسیس وزارت ورزش ارائه می‌دهند در حال حاضر با توانایی‌های برنامه‌ریزی و نیروی انسانی فعال در ورزش کشور تا چه حد هماهنگ است، موضوعی است که باید آینده بدان پاسخ دهد.

در مقابل، طیف گسترده‌ای از نیروهای آکادمیک و اجرایی در صحنه ورزش کشور - از دیدگاه کارشناسی - وزارت ورزش و جوانان را برای گسترش ورزش بهداشتی و قهرمانی - هر دو - کارآمد نمی‌دانند. هر چند در ورزش کشور ما، فعالیت‌های ورزشی هنوز نهادینه نشده است، ولی سمت و سوی فعالیت‌های ورزشی - در هر شکل آن - حالت NGO دارد. ورزش و پرداختن

کسب علم، هنر و دانش از یادمان‌های پیشینیان ایران زمین و از سفارشات پیامبر اکرم (ص) است. از پیشگامان فرهنگ ملی این مرز و بوم، فردوسی، در اثر جاودانه خود - شاهنامه - می‌گوید:

به دانش گرای و بدو شو بلند
چو خواهی که از بد نیابی گزند
ز دانش در بی‌نیازی بجوی
و گر چند سختت آید به روی
ز نادان بنالد دل سنگ و کوه
ازیرا ندارد بر کس شکوه
توانا بود هر که دانا بود
ز دانش دل پیر برنا بود

و از توصیه‌های حضرت محمد (ص) است که: «أَطْلُبُ الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالضَّيْنِ.»

با این مقدمه به استقبال بهار معرفت می‌رویم. فرارسیدن ماه مهر، ماه آشنایی با دوستی اصیل - کتاب - که ماندگارترین اثر فرهنگی بشری و هدیه جاودان خدای بزرگ به پیامبران الهی است. آخرین آن‌ها، قرآن کریم، مثل و مانند ندارد و سراپا آموزه‌هایی است که در صورت پیروی انسان امروزی از آن، آرامش جسم، روح و روان را برای خود به ارمغان می‌آورد. مهر را پاس بداریم و با تمسک به آن چرخه تمدن و فرهنگ را در جامعه خویش جاری سازیم.

هدف ماه مهر، تربیت انسان توانمندی است که آموزه‌های علمی، دینی و اخلاقی را در متن زندگی خود به کار می‌گیرد و شرافت و ارزش‌مداری را در حیات خود، اصیل می‌داند. پاک‌اندیشه و اصالت عمل، وجه ممیز انسان تربیت شده ماه مهر است که هدیه دانش‌جویی اهدایی خداوند کریم را با استقبال درمی‌یابد. انسان آگاه و با معلومات ماه مهر، انسان جوان اندیشه‌ای است که به‌رغم توانایی‌های نامحدود جسمی، بالاترین صفت زندگی اجتماعی‌اش، فروتنی است:

درخت تو گر بار دانش بگیرد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را

امید آن که پیام‌آوران سلامت و بهداشت تن و روان در مدارس - آموزگاران و دبیران تربیت بدنی - به همان تعبیر دیروز - آقاوَرز - از برکات ماه مهر بهره‌وافر بچینند و در کنار هدیه مهربانی، لذت‌جویی، شادی، فرخ‌بخشی و پاک‌دامنی در ساعات پویای ورزش یا تربیت‌بدنی، عشق به هم‌نوع، مهرورزی و کمال‌جویی و در یک کلام «هنر زیستن انسانی» را به نوآموزان و دیرآموزان صحن مدارس نیز اهداء کنند.

تقارن این نوشته مصادف است با آغاز به کار سرپرست وزارت ورزش و جوانان که برای اولین بار با ابتکار مجلس در تاریخ جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد (۹۰/۴/۱۳). تأسیس این نهاد از سوی دولت، اقدامی سیاسی از سوی برخی در مجلس خوانده شد و وجود این را با قانون برنامه پنجم توسعه، که در آن



وجوانان

و کاملاً منطقی است که اگر ورزش از بودجه دولت ارتزاق نکند، اصلاً کارش به پیش نمی‌رود و این انتظار حاصل می‌شود پس حال که من (دولت) هزینه‌ها را تأمین می‌کنم، حق دخالت در تصمیم‌گیری‌های ورزشی را برای خود محفوظ می‌دانم. دقیقاً توصیف وضعیتی است که ما در حال حاضر در آن به سر می‌بریم و در گذشته نیز نشان داده شد که دخالت دولت در ورزش، برخی فدراسیون‌های ما را تا مرز تعلیق در صحنه بین‌المللی به پیش برد که عقب‌نشینی دولت مشکل را برطرف کرد.

از سوی دیگر، مخالفان وزارت ورزش و جوانان معتقدند هر چند ورزش متعلق به جوانان و از جنس آن‌هاست، ولی ورزش امروزه کاملاً همگانی است و همه اقشار را باید زیر پوشش ببرد. چنانچه بسیاری از کشورها بدان مبتلایند، جمعیت سالخورده زیاد از ویژگی‌های جامعه ما در آینده نزدیک است و تأمین بهداشت آن‌ها- که تأمین بخش مهمی از آن بر دوش ورزش خواهد بود- کاملاً اجتناب‌ناپذیر است. از همه مهم‌تر، پیچیدگی امور جوانان- از جمله مسایل مسکن و ازدواج و نظارت و مهار ناهنجاری‌ها- ممکن است وزیر و سیاست‌هایش را به سوی برنامه‌ریزی برای حل آن‌ها بکشاند و از ورزش غافل شود.

در یک کلام، تأسیس وزارت ورزش و جوانان هم فرصت است و هم تهدید. باید دید با آن چگونه باید برخورد شود. شاید توجه به راه‌کارهای اساسی، فرصت‌های آن را تقویت و تهدیدهای آن را به حداقل برساند. از این‌رو:

● در وهله اول دولت و مجلس- اکنون که تأسیس وزارت تحقق یافته است- همسو شوند و برای این وزارت تازه تأسیس با حداکثر توجه برنامه‌ریزی و هماهنگی داشته باشند.

● در درون وزارت، برنامه‌ها در عین هماهنگی باید از نظر ساختار و تشکیلات چنان مدیریت شود که بخش ورزش با سایر برنامه‌های جوانان کاملاً هماهنگ و حتی‌المقدور بخش ورزش به مفادهای NGOیی مثل فدراسیون‌ها واگذار شود.

● در این نهاد تازه تأسیس، نقش وزارت‌خانه‌های دارای ورزش پایه- ورزش دانش‌آموزی و ورزش دانش‌جویی- پررنگ دیده شود تا ناهماهنگی‌های پیشین به حداقل برسد. به لحاظ برنامه‌ریزی، برنامه‌های ورزش قهرمانی باید در امتداد فعالیت‌های ورزشی دانش‌آموزی و دانش‌جویی طراحی شود و از اختلاط آن‌ها و اجراهای متعدد اما کم‌بهره فعالیت‌های ورزشی روی گروهی ورزشکار خاص جلوگیری شود.

● تعامل وسایل ارتباط جمعی با همه اجزای فعال در ورزش کشور به‌خوبی دوباره تعریف شود تا حجم حمایت رسانه‌ای یا هجوم رسانه‌ای از مدیران ورزش مبتنی بر مسایل برنامه‌ای و منطبق شود تا عوامل عاطفی و احساسی.

این مرحله از دگردیسی ورزش کشور- از همه چیز مهم‌تر- به تدبیر و اتاق فکر نیاز دارد. باید توجه داشت که زمان خیلی زود می‌گذرد و به قولی خیلی زود دیر می‌شود.

به آن- اکنون- در جهان مدرن به شدت مردمی است و هم‌چون تأمین غذا، مسکن و لباس، تقریباً در اقصی نقاط دنیا، مردم برای ورزش هزینه می‌کنند و آن را در سبب هزینه‌های خود گنجانده‌اند. این نگرانی به شدت وجود دارد که با وزارت شدن امور ورزش، وابستگی فعالیت‌های ورزشی به دو نهاد دولت و مجلس افزایش می‌یابد و این موضوع ممکن است به منزله شمشیر دولبه‌ای باشد که شاید برای ورزش ما که به شدت وابسته به دولت است، سودمند باشد؛ ولی نهادهای وابسته به وزارت- هم‌چون فدراسیون‌ها- از آن چه متصور می‌شود و در چارچوب قواعد بین‌المللی باید کاملاً NGO و مستقل از دولت باشند، ممکن است بیش‌تر به دولت وابسته شوند و دخالت هر چه بیش‌تر دولت در ورزش را فراهم آورد.

از سویی مجلس در کشور ما تا اندازه‌ای وابسته به نهادهای محلی است و خواست‌های مردمی از نمایندگان بیش از آن چه ملی باشد، منطقه‌ای، شهرستانی و استانی است. این درخواست‌ها ممکن است باعث شود طراح سؤال و جواب از وزیر، استفاده از ابزار استیضاح را برای مسایل کم‌اهمیت بر وزیر ورزش تحمیل کند و او و وزارت متبوعش را از برنامه‌های اصلی و بلندمدت- که ورزش به شدت از نداشتن آن رنج می‌برد- به سوی روزمرگی و سلیقه‌ای عمل کردن بکشاند. هم‌چنین، فدراسیون‌ها که امروزه رکن رکین ورزش قهرمانی‌اند، با نهادهای بین‌المللی پیوندی ارگانیک دارند و باید با سیاست‌های عمومی آن‌ها هماهنگ شوند. دخالت‌های دولت و مجلس در ورزش کشور و به‌ویژه در فعالیت‌های جاری فدراسیون ممکن است فدراسیون‌های بین‌المللی را که با دخالت‌های دولتی در ورزش مخالفند، حساس کند و احتمالاً محرومیت‌هایی را برای فدراسیون‌ها ایجاد کند. بنابراین، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که در کشوری مثل ما پس چگونه دولت می‌تواند با نهاد ورزش تعامل داشته باشد

